

ارزیابی تطبیقی سلسله مراتب تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری، مورد منطقه ۸ تبریز

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۷/۰۸

بهمن شجاعی‌وند* (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
شهریور روستایی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
اکبر اصغری زمانی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

چکیده

تصویر ذهنی عبارت است از تصویر یا برداشتی که هر انسان از خود، دیگران و محیط اطراف دارد. هدف از این پژوهش بررسی تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری و پی بردن به چگونگی تفاوت موجود در تصویر ذهنی آنها بر اساس سلسله مراتب تصویر ذهنی است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و در آن از روش‌های پیمایشی و توصیفی - تحلیلی استفاده شده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه، با حجم نمونه به‌دست آمده از فرمول کوکران و نقشه‌های کروکی‌وار است. در تحلیل داده‌های به‌دست آمده از آزمون‌های مقایسه‌ای، توصیفی و تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین مردان و زنان از نظر تصویر ذهنی از فضاهای شهری تفاوت معناداری وجود دارد و مقدار میانگین رتبه‌ای نشان داد که تصویر ذهنی در مردان در مقایسه با زنان قوی‌تر است. همچنین تصویر ذهنی مردان در مقایسه با زنان از کلیت بیشتری برخوردار است و در مقابل زنان بیشتر با جزئیات تصویر ذهنی خود را شکل می‌دهند. مردان در ارزیابی تصویر ذهنی خود عمدتاً در تمامی سطوح سلسله مراتب تصویر ذهنی به نام مکان‌ها با نقاط ثقل مختلف و با تأکید بر راه‌ها اشاره می‌کنند در مقابل زنان در جزئی‌ترین نقشه‌ها هم کمتر به نام مکان‌ها اشاره می‌کنند و در تصویر ذهنی آنها تعاملات اجتماعی و فضایی با تکیه بر محل سکونت به عنوان نقطه‌ی ثقل بیشتر به چشم می‌خورد و عمده تأکید آنها بر نشانه‌ها است.

واژه‌های کلیدی: فضاهای شهری، تصویر ذهنی، سلسله مراتب، تبریز.

مقدمه

اصطلاح سیمای شهر یا تصویر ذهنی را که در مقابل ترجمه‌ی لغت Image کتاب سیمای شهر لینچ به عاریت گرفته شده است، نمی‌بایست با اصطلاح منظر یا Landscape اشتباه گرفت. سیمای شهر برآیند، مجموعه‌ی ادراک محسوس و ذهنیت انسان از محیط است. به دست آوردن ادراکات محسوس نتیجه‌ی تأثیر کلی عواملی است که حواس انسان را متأثر می‌سازد. در عین حال شناخت از محیط در ترکیبی مادی-معنوی با ذهنیت و خاطرات افراد، موجودی جدید خلق می‌کند که منظر نام دارد. ادراک سیمای شهری در نخستین گام، ادراکی محسوس است که موجب لذت، نشاط، آزدگی، ترس و سایر واکنش‌های حسی آدمی می‌شود (شجاعی‌وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

مشاهده‌ی محیط به مفهوم ایجاد تصویر ذهنی براساس تجارب و مشاهدات گذشته است. هر چه ذخیره اطلاعات در ذهن به خوبی سازمان پیدا نکرده باشد، بهره‌گیری از آن اطلاعات جهت بازشناسی محیط و ایجاد تصویر درست و کامل، مشکل‌تر و ناقص‌تر خواهد بود. بدیهی است تصورات ذهنی ممکن است اصلاً وجود خارجی نداشته و تنها نمونه‌ای از برخی از خصوصیات دنیای واقعی باشد. ممکن است این تصویر ذهنی فقط از چند اسم که به طور نامنظم کنار هم قرار گرفته‌اند، تشکیل شده باشد. ولی همین که تصویری هرچند ناقص که به ما نشان می‌دهد توجه مردم بیشتر معطوف چه نقاط یا عناصری است و تصویر ذهنی آنها از محیط چیست (بحرینی، ۱۳۸۲: ۳۰۶).

تصویر ذهنی عبارت است از تصویر یا برداشتی که هر انسان از خود و دیگران دارد. این تصویر، مجموعه‌ی پیچیده‌ای از احساسات، نگرش‌ها و تفکراتی است که هدف آنها، ارضای احتیاجات و کاستن از اضطراب فردی است. در جغرافیای رفتار فضایی، هر تصویر ذهنی، ترکیبی از تجربه‌ی شخصی، یادگیری، یادآوری و خاطرات می‌باشد. از این رو طبیعت، انسان، جامعه و فضا، همگی در شکل‌گیری تصویر ذهنی ما مؤثر می‌افتند و در نهایت، رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کنند (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

تصویر ذهنی، موضوعی غیر عینی و ناملموس تلقی می‌شود. تصاویر ذهنی، حاصل تعامل میان انسان و محیط بوده و شامل آگاهی‌های ذهنی فرد از محیط هستند. از این جهت مطالعه تصاویر ذهنی نقطه آغازین هرگونه تحلیل در زمینه روابط متقابل انسان و محیط دانسته می‌شود که «نگاه از درون» خوانده شده و مکمل نگاه از بیرون است (Polic, et al., 2005: 28). به عبارتی تصویر ذهنی، آن دسته از اطلاعاتی را شامل می‌شود که از محیط بیرون در ذهن شهروندان باقی مانده است. البته ادراکات محسوس از سیمای شهر مختص عناصر بصری نیست و می‌تواند مربوط به سروصدای محیط، بو و سایر عوامل تأثیرگذار بر حواس انسانی نیز در شکل‌دهی به آن ایفای نقش می‌کنند (کلانتری و اخوت، ۱۳۹۵: ۴۶).

فضاهای شهری، جزیی از محیط شهری هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه‌ی کالبدی و فیزیکی نبوده و درحقیقت با حضور انسان و فعالیت او و روابط متقابل بین انسان و محیط است که معنا می‌یابند. فضاهای شهری قدمتی دیرینه در تاریخ شهر و برنامه‌ریزی شهری داشته و در ادوار مختلف به اشکال گوناگون در شهرها حضور یافته است؛ اما با آغاز انقلاب صنعتی و پس از حضور اتومبیل در عرصه‌ی شهرها، فضاهای عمومی به یک‌باره عمده کارکرد گذشته خویش را از دست داده و چالش‌ها و مفاهیم جدیدی مطرح گردیدند. در عین حال که از حدود سه دهه پیش و با گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و افزایش تقاضای عمومی، کیفیت بخشی به فضاهای شهری از یک راهکار به ضرورتی انکارناپذیر بدل گردیده است (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹: ۹۶). بر این اساس وجود تصاویر ذهنی آشفته و نامنظم بر میزان تعلق و استفاده شهروندان از فضاهای شهری می‌تواند تأثیرگذار باشد و از این رو لازم است، تا به منظور به‌وجود آمدن تصویر ذهنی بهتر در ذهن شهروندان، مطلوب‌سازی فضاهای شهری مورد توجه قرار گیرد، چرا که بهبود تصویر ذهنی نیز می‌تواند بر حضور و استفاده از فضاهای شهری تأثیرگذار باشد.

از جمله مواردی که وجهه‌ی بین‌المللی تبریز را بیش از پیش بارز می‌کند، مطرح شدن تبریز به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۸ می‌باشد. تبریز از جمله مقاصد گردشگری ایران در عرصه‌ی جذب گردشگران بین‌المللی و داخلی به دلیل وجود جاذبه‌های گردشگری تاریخی متنوع به مانند، مجموعه تاریخی بازار، گوی مسجد (مسجد کبود)، ارگ علیشاه، ائل گوئی، مقبره الشعرا، کاخ موزه شهرداری (میدان ساعت)، خانه مشروطه و غیره شهر تبریز است (شجاعی‌وند و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). و این امر در نوع خود ضرورت مطالعات تصویر ذهنی را نمایان می‌سازد. بر این اساس هدف این پژوهش پی بردن به تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری می‌باشد و در پی پاسخ به این سؤال است که آیا بین تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری تفاوتی وجود دارد و اگر وجود دارد این تفاوت بر اساس سلسله مراتب تصویر ذهنی به چه صورتی است؟

مرور ادبیات

راب کریپر (۱۹۷۹)، فضای شهری را «فضای خارجی» می‌داند، «تمام انواع فضای میان ساختمان‌ها در شهرها و دیگر مکان‌ها». این فضا کاملاً فیزیکی است و به شکل هندسی، نماهای متنوعی احاطه‌اش می‌کنند». بنابراین تحلیل او از فضای شهری محدود است به یک مورفولوژی که عناصر پایه را در فضای شهری به این ترتیب نام می‌برد: خیابان و میدان و فرم‌های پایه‌ی آن‌ها، یعنی مربع، دایره و مثلث با تعدادی از گزینه‌های متنوع و ترکیبات این اشکال و فرم‌ها (به نقل از مدنی‌پور،

۱۳۹۲: ۱۴). کوین لینچ^۱ از اندیشمندانی است که از نظر وی فضای شهری یکی از عناصر بسیار مهم در خوانایی شهر است و خوانایی از نظر لینچ کلید درک شهر و رابطه اصولی شهروند و شهر است. از نظر لوییز مامفورد^۲، اندیشمند پست‌مدرن، فضای شهری نمود اهداف انسان ارگانیک است. امس راپاپورت^۳، فضای شهری را در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از ارتباطات می‌داند و با وارد کردن فرهنگ در لیست موارد تأثیرگذار در شکل‌گیری فضاهای شهری گامی به جلو بر می‌دارد و حلقه‌ی گمشده فضای فیزیکی و فضای ذهنی را از طریق هنجارهای فرهنگی به هم پیوند می‌زند. امانوئل کستلز^۴ نظریه‌پرداز فرانسوی است که با دیدی مارکسیستی به شهر نگاه می‌کند. از نظر کستلز، فضای شهری از دو بعد فیزیکی و اجتماعی برخوردار است و او بعد ذهنی فضا را در مرتبه‌ای بعد از بعد اجتماعی قرار می‌دهد (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۹). در این میان برخی از پژوهشگران در مطالعات خود فضاهای شهری را در ارتباط با ادراک شهروندان، تصویر ذهنی آنها نسبت به فضاهای شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند (Dias & Ramadier, 2015; Marry & Defrance, 2013; Giraud & Peruch, 1988).

بررسی رابطه بین انسان و فضاهای شهری همواره موضوع مورد بحث در میان روانشناسان، معماران، جغرافیدانان و برنامه‌ریزان شهری بوده است و سرآغاز مطالعه‌ی روابط بین انسان و محیط و فضاهای شهری از نقطه نظر تصویر ذهنی شهر هم در ادبیات شهری و هم در روش‌شناسی، در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰، توسط مطالعه‌ی کوین لینچ (۱۹۶۰)، بوده و افرادی چون تریب (۱۹۷۴)، اپلیارد (۱۹۷۶)، راپاپورت (۱۹۸۲)، لنگ (۱۹۸۷)، مدنی‌پور (۱۹۹۶)، به بسط و نشر آن پرداختند. پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه تصویر ذهنی یا به صورت کلی به مطالعه‌ی تصویر ذهنی پرداخته‌اند و یا هر یک تصویر ذهنی را در ارتباط با حوزه و عناصری خاص مورد مطالعه قرار داده‌اند، مطالعه‌ی انجام گرفته توسط فلمینا^۵ و همکاران (2019) تصویر ذهنی را در ارتباط با ساختار شهر و سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد مطالعه قرار داده است. پژوهشی که توسط سانمز و آندر^۶ (2019)، انجام گرفته تصویر ذهنی را در ارتباط با مسیر و جهت‌یابی در شهر مورد کنکاش قرار می‌دهد و تأثیر تصویر ذهنی بر جهت‌یابی شهر را مورد مطالعه قرار می‌دهد. برخی از پژوهش‌های نیز تصویر ذهنی را در ارتباط با رسانه‌های اجتماعی و مجازی مورد مطالعه قرار داده‌اند که از جمله‌ی آنها می‌توان به مطالعه‌ی گینزری^۷ و همکاران (2019)، اشاره کرد.

1 - Kevin Lynch

2 - Louis Mamford

3 - Amos Rapoport

4 - Manuel Castelles

5 - Filomena

6 - Sönmez & Önder

7 - Ginzarly

در سال‌های اخیر نیز بررسی و مطالعه در زمینه‌ی تصویر، شناخت، ادراک و نگرش مردم و شهروندان نسبت به محیط زندگی و ادراک آنان از تأثیرات محیط و فضاهای اطراف، اهمیت فزاینده‌ای را در مطالعات حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری و منظر شهری به‌دست آورده است (Kaplan & et al: 2013; Archambault & Purchase: 2017; Misthos: 2017; Kara: 2013; Lindholm: 2011; Fenster: 2009; Tilt: 2007; Menegaki & Kaliampakos: 2006).

کوپن لینچ (1960)، مطالعه‌ی خود در زمینه‌ی تصویر ذهنی از شهر را با کتابی تحت عنوان «سیمای شهر» انجام داد تا جایی که برخی لینچ را به واسطه‌ی کتاب حاضر می‌شناسند. در این تحقیق از سه شهر آمریکایی بستن، لس آنجلس و جرسی سیتی، لینچ پنج عامل عمده را در تهیه‌ی نقشه‌ی شناختی به کار می‌گیرد که عبارتند از: مسیرها، کناره‌ها، مناطق داخلی شهرها، گرہ‌ها، علائم برجسته یا سمبلیک.

از دیگر مطالعات بنیادی در زمینه‌ی منظر شهری و تصویر ذهنی می‌توان به مطالعه‌ی دانلد اپلیارد^۱ (1976)، با کتابی تحت عنوان «برنامه‌ریزی یک شهر کثرت‌گرا» اشاره کرد که به چگونگی نگاه مردم و برنامه‌ریزان به شهر و طرح آن می‌پردازد. استفاده از واژه کثرت‌گرا به ویژگی گونه‌گونی و فراوانی جمعیتی و گروه‌های اجتماعی شهر سیوداد گوئیانا به عنوان شهر مورد مطالعه دارد و بیانگر خط مشی طراحی کثرت‌گرایانه‌ی اوست. به باور اپلیارد، ساختار مطلوب یک شهر خوب، به گونه‌ای است که اتصال میان گروه‌های مختلف جمعیتی را محقق نماید؛

از دیگر پژوهشگرانی که آثار ارزنده‌های را در مورد تعامل بین انسان و محیط با تأکید بر ادراک، خوانایی و تصویر ذهنی داشته است، می‌توان به ایان بنتلی^۲ اشاره کرد. ایان بنتلی و همکاران (۱۳۸۲)، در کتابی با عنوان «محیط‌های پاسخ‌ده» معتقدند که محیط ساخته شده دست بشر باید با تقویت فرصت‌های مناسب، از طریق به حد اعلا رساندن گستره‌ی گزینه‌های قابل عرضه به مردم، یک محیط دمکراتیک برای استفاده کنندگان فراهم آورد. اینگونه مکان‌ها را مکان پاسخ‌ده می‌نامیم. طراحی یک مکان می‌تواند از جنبه‌های متفاوتی بر قدرت یا نحوه‌ی انتخاب مردم تأثیر بگذارد و محیطی پاسخ‌ده است که مقوله‌های، نفوذپذیری؛ گوناگونی؛ خوانایی؛ انعطاف‌پذیری؛ سازگاری بصری و غنای حسی را در خود داشته باشد. زمانی شهروندان از منافع مکان بهره‌مند می‌شوند که بتوانند مکان را درک کنند.

^۱ - Donald Appleyard

^۲ - Ian Bentley

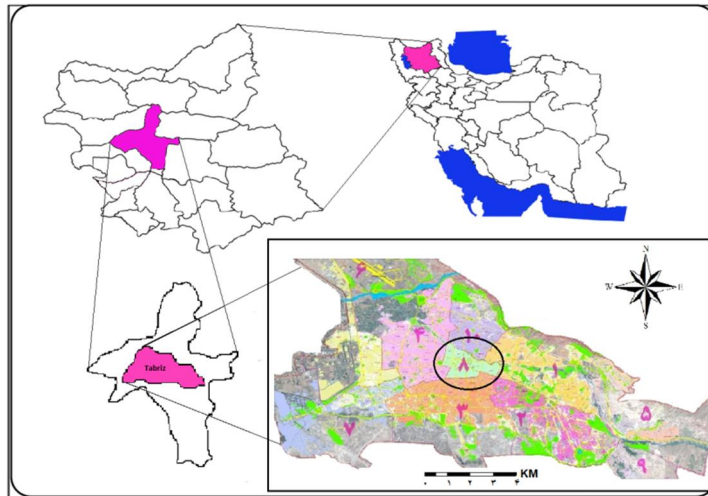
در این میان میشل تریب^۱ از جمله نظریه پردازانی است که به توجیه تصویر ذهنی برداشته است. تریب محیط بیرامون را سامانه‌های برشماری می‌بیند که به سامانه‌ی بایه مربوط می‌شود (باکزاد ۱۳۹۳: ۱۳۴). برای او شهر محیطی است جدای از ناظر که همواره وجود داشته پیام‌هایی از آن فرستاده می‌شود. در تعریف تریب تصویر ذهنی دارای سلسله مراتبی است که از تصویر کلیت شهر (تصویر کلی) تا جز تصاویری از کلیت شهر (مکان‌های شهری) و سرانجام تصاویر ذهنی از اجزای فضا را دربر می‌گیرد (همان: ۱۳۶). در پژوهش حاضر سعی بر آن شده تا تفاوت تصویر ذهنی مردان و زنان را بر اساس سطوح سلسله مراتب تصویر ذهنی مورد مطالعه قرار گیرد.

محدوده مورد مطالعه

تبریز پرجمعیت‌ترین شهر استان و از پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای کشور است. براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان تبریز نزدیک به ۱۸۰۰۰۰۰ نفر و جمعیت مرکز این شهرستان ۱۷۲۴۳۶۸ نفر برآورد شده و دارای تراکم ۸۱۸،۱ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

جمعیت شهری این شهرستان ۱۶۲۳۰۹۶ نفر و جمعیت روستایی آن ۱۴۹۹۴۶ نفر و تعداد خانوار آن ۵۶۳۶۶۰ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). بر این اساس ۴۶ درصد جمعیت استان در شهرستان تبریز و در حدود ۴۴ درصد تنها در مرکز شهر تبریز ساکن هستند (محاسبات پژوهشگر، ۱۳۹۷). منطقه‌ی هشت شهرداری تبریز به عنوان محدوده‌ی مورد مطالعه با مساحت ۳۸۸ هکتار و نزدیک به ۳۰۰۰۰ نفر جمعیت (شهرداری تبریز، ۱۳۹۲)، یکی از مناطق دهگانه‌ی تبریز و مرکزی‌ترین و مهم‌ترین منطقه‌ی کلان‌شهر تبریز به‌شمار می‌رود، مهم‌ترین آثار تاریخی و باستانی شهر تبریز، همانند بازار تبریز، مسجد کبود، مسجد جامع تبریز، ارگ تبریز، کاخ شهرداری تبریز و برخی از محله‌های قدیمی و موزه‌های تبریز را درخود جای داده و منطقه‌ای است که به عنوان بخش مرکزی شهر و واجد معنا و دگرگونی و دگردیسی در طول اعصار گذشته بوده است. که این موارد از جمله دلایل انتخاب این بخش از شهر به عنوان مورد مطالعه در این پژوهش بوده است.

^۱ - Michael Ttieb



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در کلان‌شهر تبریز

روش تحقیق

روش پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت موضوع تنظیم می‌شود. هدف این پژوهش پی بردن به تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری می‌باشد و در پی پاسخ به این سؤال است که آیا بین تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری تفاوتی وجود دارد و اگر وجود دارد این تفاوت بر اساس سلسله مراتب تصویر ذهنی به چه صورتی است؟ بر این اساس فرضیه‌ی تحقیق ما به این صورت است؛ تصویر ذهنی شهروندان از فضاهای شهری با توجه به جنس آنها متفاوت است؛ که در پژوهش حاضر منظور از فضاهای شهری، آن قسمت‌هایی از فضاهای عمومی شهر است که همه شهروندان از آن استفاده می‌کنند.

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و در آن از روش‌های پیمایشی و توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. منطقه ۸ به عنوان بخش مرکزی کلان‌شهر تبریز به عنوان، مقیاس میانی منظر شهری در مطالعه‌ی حاضر به عنوان عرصه‌ی مطالعه انتخاب شده، و منظور از کلیت شهر همان محدوده مور مطالعه است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه خود ساخته، مصاحبه‌ی نیمه‌سازمان یافته و نقشه‌های کروکی‌وار در دو حیطه‌ی کمی و کیفی بوده، که پس از انجام پیش‌آزمون و رفع اشکالات و ابهامات موجود در پرسشنامه، جمع‌آوری داده‌ها انجام یافته است. جمع‌آوری داده‌ها علاوه بر مشاهده میدانی از طریق مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته و آمارها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش با مراجعه به استانداری آذربایجان شرقی، شهرداری تبریز و مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. برای تعیین

حجم نمونه در پژوهش حاضر از روش تعیین حجم نمونه کوکران بهره گرفته شده است، که فرمول کوکران حجم نمونه را به تعداد ۳۸۴ مورد را ارایه داد، ولی به منظور بالا بودن ضریب اطمینان حجم نمونه تعداد ۴۰۰ مورد در نظر گرفته شده است که از این تعداد ۲۰۰ پرسشنامه به صورت اینترنتی و از طریق شبکه‌های اجتماعی و ۲۰۰ پرسشنامه به صورت حضوری در بین شهروندان توزیع گردید. هدف توزیع پرسشنامه‌ها به دو صورت حضوری و اینترنتی پی بردن به وجود تفاوت احتمالی در تصویر ذهنی افراد بود. از آنجایی روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای تصادفی می‌باشد، سعی شده تا به صورت دستی توزیع تصادفی پرسشنامه‌ها به صورت تقریباً مساوی در نقاط مختلف محدوده‌ی جغرافیایی مورد مطالعه انجام گیرد. در مطالعه حاضر تقسیم منطقه‌ی مورد مطالعه به چهار بخش به عنوان خوشه‌ی اصلی و تقسیم هر یک از بخش‌ها به نقاط مختلف به عنوان زیر خوشه در نظر گرفته شده است.

پرسشنامه‌های حضوری و اینترنتی به منظور به دست آوردن نتایج توصیفی و تحلیلی، به صورت مقیاس پنج نقطه‌ای در طیف لیکرت بود، که یکجا وارد نرم‌افزار SPSS 23.0 شدند. ولی بخش دوم تحلیل که شامل ۲۰۰ تصویر ذهنی مردان و زنان به صورت نقشه‌ی کروکی‌وار (توزیع حضوری) بود به صورت تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفته است.

به منظور آزمون اولیه‌ی فرضیه‌ی تحقیق و وجود تفاوت احتمالی تصویر ذهنی مردان و زنان از فضا‌های شهری، از آزمون من ویتنی یو (Mann-Whitney U) و آمارهای توصیفی در نرم‌افزار SPSS 23.0 استفاده شده است. مطابق حبیب‌پور و صفری (۱۳۹۱) از آزمون من ویتنی زمانی استفاده می‌شود که دو نمونه‌ی مستقل از جامعه مفروض باشد و داده‌های مربوط به این دو نمونه مستقل رتبه‌ای و یا داده‌های کمی غیر نرمال باشند. این آزمون یکی از قوی‌ترین آزمون‌های ناپارامتریک و جانشینی برای آزمون t با دو نمونه‌ی مستقل بوده و آزمون ناپارامتریک آن محسوب می‌شود.

متغیرهای تصویر ذهنی در مطالعه‌ی حاضر عبارتند از؛ ۱- میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن؛ ۲- توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و اجزای شهر در ذهن؛ ۳- توانایی توصیف اجزا و عناصر شهر به دیگران (آدرس‌دهی)؛ ۴- توانایی حرکت و مسیریابی بدون دغدغه‌ی گم شدن در شهر؛ ۵- توانایی به خاطر آوردن نقشه‌ی شهر بعد از گذشت زمان؛

از آنجایی که تحلیل انجام گرفته در نرم‌افزار Spss 23.0 صرفاً وجود تفاوت در نهایت شدت تصویر ذهنی و مؤلفه‌های آن را در مردان و زنان را بیان می‌کند، به منظور پی بردن به نتایج دقیق‌تر و اکتشاف جنبه‌های مختلف این تفاوت و ارزیابی سلسله مراتب تصویر ذهنی در مردان و زنان به بررسی بخش دوم تحلیل اقدام شده است، که برای این امر ۲۰۰ نقشه‌ی کروکی‌وار مورد تحلیل محتوا قرار گرفته است.

با توجه به نظریه‌ی توجیه نظری سیمای شهر تریب تصویر ذهنی افراد به صورت سه سطح سلسله مراتبی است. که از تصویر کلیت شهر (تصویر کلی) تا جز تصاویری از کلیت شهر (مکان‌های شهری) و سرانجام تصاویر ذهنی از اجزای فضا را دربر می‌گیرد. در تقسیم‌بندی نقشه‌های کروکی‌وار آن دسته از نقشه‌هایی که به صورت شبکه‌ای بخش قابل توجهی از محدوده را در خود داشتند جز نقشه‌های تصویر کلی، آن دسته از نقشه‌هایی که به صورت شبکه‌ای نبوده و بخشی از محدوده را در خود داشتند جز نقشه‌های تصاویر جزئی و در نهایت نقشه‌هایی که بدون ارتباط شبکه‌ای، صرفاً به مکان خاصی اشاره داشتند به عنوان اجزای فضا در نظر گرفته شده‌اند. برای سنجش اعتبار که از نوع اعتبار محتوا استفاده شده است؛ ملاک ارزیابی این نوع اعتبار، قضاوت محققین و متخصصین در حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری است، که در همین ارتباط به سؤالات پرسشنامه و انسجام درونی و روش‌های مورد استفاده آن نظر داده‌اند. برای ارزیابی متغیرهای تحقیق و پایایی سؤالات نیز از ضریب آلفای کرونباخ با مقدار ۰,۹۲ استفاده شده است.

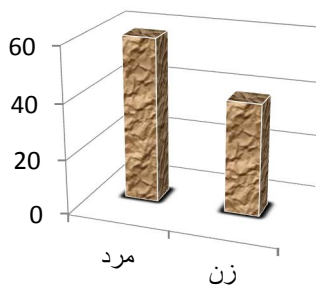
تحلیل داده‌ها

از مجموع ۴۰۰ پرسشنامه، ۲۰۰ پرسشنامه به صورت حضوری و ۲۰۰ پرسشنامه به صورت اینترنتی توزیع شد. نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه‌ها مطابق جدول (۱)، نشان می‌دهد که از مجموع کل پرسش‌شوندگان تعداد ۲۳۸ نفر یا معادل ۵۹,۵ درصد مرد و تعداد ۱۶۲ نفر، معادل ۴۰,۵ درصد زن می‌باشند (نمودار ۱).

جدول (۱): جنسیت پرسش‌شوندگان

متغیر		فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۳۸	۵۹,۵
	زن	۱۶۲	۴۰,۵
جمع		۴۰۰	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی



نمودار (۱): جنسیت پرسش‌شوندگان (مأخذ: نگارندگان)

آزمون فرضیه‌ی پژوهش: تصویر ذهنی شهروندان با توجه به جنس آنها متفاوت است؛ به منظور آزمون «تفاوت تصویر ذهنی بر اساس جنس پرسش‌شوندگان» از آزمون من ویتنی یو (Mann-Whitney U) استفاده شده است. مطابق نتایج به دست آمده در جدول (۲)، نتیجه‌ی آزمون U Mann-Whitney در نرم‌افزار Spss 23.0 نشان می‌دهد که، H_0 «تفاوت تصویر ذهنی بر اساس جنس پرسش‌شوندگان» با سطح معنی‌داری بالای ۹۹ درصد ($\text{Sig} > 0.01$) رد و در نتیجه H_1 مورد تأیید است و بین مردان و زنان از نظر تصویر ذهنی از فضاهای شهری تفاوت وجود دارد و مقدار میانگین رتبه‌ای میزان تفاوت تصویر ذهنی در مردان در مقایسه با زنان را آشکار می‌کند.

جدول (۲): آزمون تفاوت گروهی

H ₀ Test	Sig.	آزمون			متغیر مستقل
		Z	Mean Ran		
Rejected	۰,۰۰	-۲,۹۰۰	۲۱۴,۲۸	مرد	U Mann-Whitney
			۱۸۰,۲۵	زن	

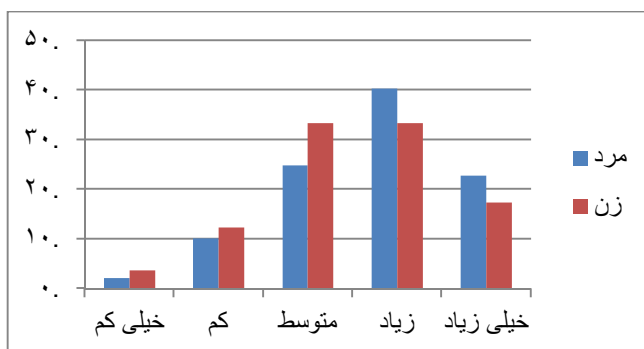
منبع: مطالعات میدانی

در این بخش از پژوهش به بررسی و تحلیل آماری و توصیفی تصویر ذهنی و مؤلفه‌های آن پرداخته شده است. نتایج آزمون و تحلیل مربوط به هر یک از مؤلفه‌های تصویر ذهنی مردان و زنان که در نرم‌افزار Spss 23.0 انجام گرفت، نتایج زیر را ارائه می‌دهد؛ در مورد مؤلفه‌ی اول یا همان «میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن» نتایج تحلیل نشان می‌دهد که؛ با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل در جدول (۳) بیشترین درصد «میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن» در مردان با ۴۰,۳ درصد مربوط به گزینه‌ی زیاد و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۲,۱ درصد است. همچنین در زنان نیز بیشترین درصد با مقدار ۳۳,۳ درصد مربوط به گزینه‌های متوسط و زیاد و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۳,۷ درصد است (نمودار ۲). در مقایسه میانگین‌ها و انحراف استاندارد در دو گروه مردان و زنان هم مردان با میانگین ۳,۷۱ و با انحراف استاندارد ۰,۰۶ در مقایسه با میانگین ۳,۴۸ و انحراف استاندارد ۰,۰۸ زنان «میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن» بهتری و بیشتری را نسبت به زنان دارند. جدول تحلیل‌ها همچنین مقدار چولگی و کشیدگی برای دو گروه را نیز ارائه داده است.

جدول (۳) تفاوت میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن مردان و زنان

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
جنس	مرد	۲,۱	۱۰,۱	۲۴,۸	۴۰,۳	۲۲,۷	۳,۷۱	۰,۰۶	-۰,۵۴
	زن	۳,۷	۱۲,۳	۳۳,۳	۳۳,۳	۱۷,۳	۳,۴۸	۰,۰۸	-۰,۳۶

منبع: مطالعات میدانی



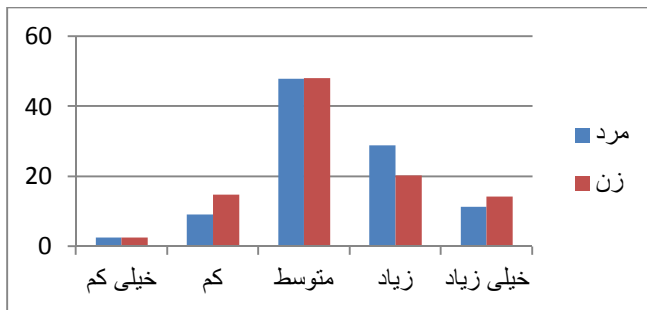
نمودار (۲): تفاوت میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن مردان و زنان

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل در جدول (۴) بیشترین درصد «توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و اجزای شهر در ذهن» در مردان با ۴۷,۹ درصد مربوط به گزینه‌ی متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۲,۵ درصد است. همچنین در زنان نیز بیشترین درصد با مقدار ۴۸,۱ درصد مربوط به گزینه‌های متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۲,۵ درصد است (نمودار ۳). در مقایسه میانگین‌ها و انحراف استاندارد در دو گروه مردان و زنان، مردان با میانگین ۳,۳۷ و با انحراف استاندارد ۰,۰۵ در مقایسه با میانگین ۳,۲۹ و انحراف استاندارد ۰,۰۷ زنان «توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و اجزای شهر در ذهن» بیشتری را با مقدار هر چند کم، نسبت به زنان دارند. جدول تحلیل‌ها همچنین مقدار چولگی و کشیدگی برای دو گروه را نیز ارائه داده است.

جدول (۴) تفاوت توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و اجزای شهر در ذهن مردان و زنان

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
جنس	مرد	۲,۵	۹,۲	۴۷,۹	۲۹,۰	۱۱,۳	۳,۳۷	-۰,۰۶	۰,۱۳
	زن	۲,۵	۱۴,۸	۴۸,۱	۲۰,۴	۱۴,۲	۳,۲۹	۰,۱۷	-۰,۲۷

منبع: مطالعات میدانی



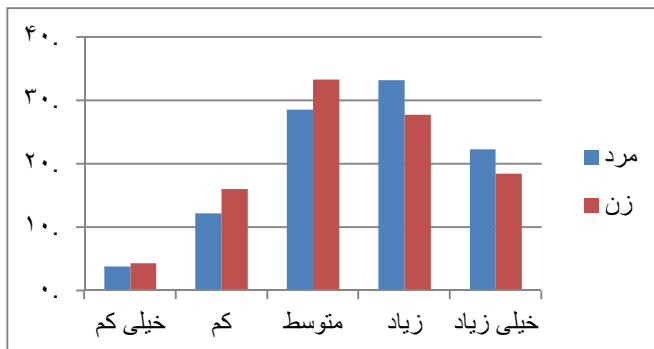
نمودار (۳): تفاوت توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و اجزای شهر در ذهن مردان و زنان

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل در جدول (۵) بیشترین درصد «توانایی توصیف اجزا و عناصر شهر به دیگران (آدرس‌دهی)» در مردان با ۳۳,۲ درصد مربوط به گزینه‌ی زیاد و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۳,۸ درصد است. همچنین در زنان نیز بیشترین درصد با مقدار ۴,۳ درصد مربوط به گزینه‌های متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۰,۳ درصد است (نمودار ۴). در مقایسه میانگین‌ها و انحراف استاندارد در دو گروه مردان و زنان هم مردان با میانگین ۳,۵ و با انحراف استاندارد ۰,۰۶ در مقایسه با میانگین ۳,۴ و انحراف استاندارد ۰,۰۸ زنان «توانایی توصیف اجزا و عناصر شهر به دیگران (آدرس‌دهی)» بهتر و بیشتری را نسبت به زنان دارند. جدول تحلیل‌ها همچنین مقدار چولگی و کشیدگی برای دو گروه را نیز نمایش می‌دهد.

جدول (۵) تفاوت توانایی توصیف اجزا و عناصر شهر به دیگران (آدرس‌دهی) در مردان و زنان

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
مرد	۳,۸	۱۲,۲	۲۸,۶	۳۳,۲	۲۲,۳	۳,۵	۰,۰۶	-۰,۴۲	-۰,۴۶
زن	۴,۳	۱۶,۰	۳۳,۳	۲۷,۸	۱۸,۵	۳,۴	۰,۰۸	-۰,۱۹	-۰,۶۴

منبع: مطالعات میدانی



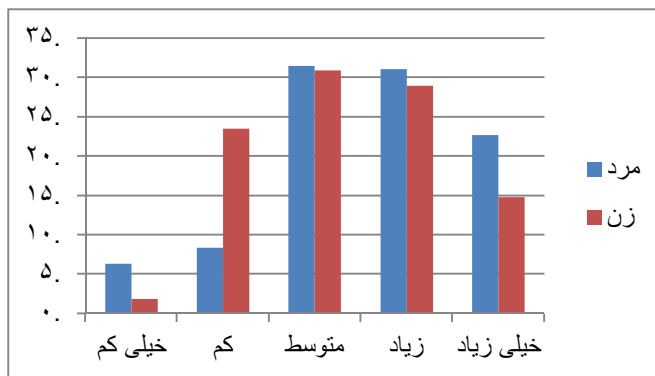
نمودار (۴): تفاوت توانایی توصیف اجزا و عناصر شهر به دیگران (آدرس‌دهی) در مردان و زنان

در ادامه با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل در جدول (۶) بیشترین درصد «توانایی حرکت و مسیریابی بدون دغدغه‌ی گم شدن در شهر» در مردان با ۳۱٫۵ درصد مربوط به گزینه‌ی متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۶٫۳ درصد است. همچنین در زنان نیز بیشترین درصد با مقدار ۳۰٫۹ درصد مربوط به گزینه‌های متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۱٫۹ درصد است (نمودار ۵). در مقایسه میانگین‌ها و انحراف استاندارد در دو گروه مردان و زنان هم مردان با میانگین ۳٫۳ و با انحراف استاندارد ۰٫۰۷ در مقایسه با میانگین ۳٫۳ و انحراف استاندارد ۰٫۰۸ زنان «توانایی حرکت و مسیریابی بدون دغدغه‌ی گم شدن در شهر» بهتر و بیشتری را نسبت به زنان دارند. جدول تحلیل‌ها همچنین مقدار چولگی و کشیدگی برای دو گروه را نیز ارائه می‌دهد.

جدول (۶) تفاوت توانایی حرکت و مسیریابی بدون دغدغه‌ی گم شدن در شهر در مردان و زنان

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
مرد	۶٫۳	۸٫۴	۳۱٫۵	۳۱٫۱	۲۲٫۷	۳٫۳	۰٫۰۷	-۰٫۵۱	-۰٫۲۷
زن	۱٫۹	۲۳٫۵	۳۰٫۹	۲۹٫۰	۱۴٫۸	۳٫۳	۰٫۰۸	۰٫۲	-۰٫۹

منبع: مطالعات میدانی



نمودار (۵): تفاوت توانایی حرکت و مسیریابی بدون دغدغه‌ی گم شدن در شهر در مردان و زنان

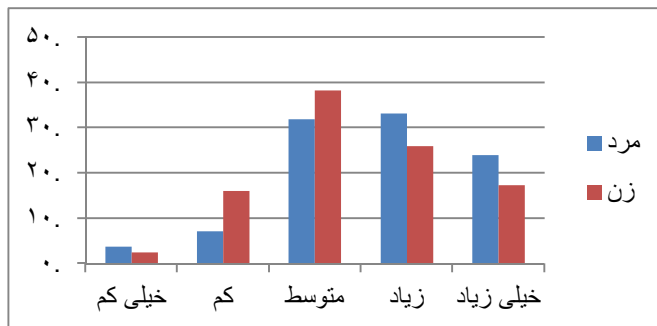
همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل در جدول (۷) بیشترین درصد «توانایی به خاطر آوردن نقشه‌ی شهر بعد از گذشت زمان» در مردان با ۳۳٫۲ درصد مربوط به گزینه‌ی زیاد و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۳٫۸ درصد است. همچنین در زنان نیز بیشترین درصد با مقدار ۳۸٫۳ درصد مربوط به گزینه‌های متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با

مقدار ۲,۵ درصد است (نمودار ۶). در مقایسه میانگین‌ها و انحراف استاندارد در دو گروه مردان و زنان هم مردان با میانگین ۳,۶ و با انحراف استاندارد ۰,۰۶ در مقایسه با میانگین ۳,۳ و انحراف استاندارد ۰,۰۸ زنان «توانایی به خاطر آوردن نقشه‌ی شهر بعد از گذشت زمان» بهتر و بیشتری را نسبت به زنان دارند. جدول تحلیل‌ها همچنین مقدار چولگی و کشیدگی برای دو گروه را نیز ارائه می‌دهد.

جدول (۷) تفاوت توانایی به خاطر آوردن نقشه‌ی شهر بعد از گذشت زمان در مردان و زنان؛

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	جنس	
										مرد	زن
	۳,۸	۷,۱	۳۱,۹	۳۳,۲	۲۳,۹	۳,۶	۰,۰۶	-۰,۵۱	-۰,۱۲	مرد	
	۲,۵	۱۶,۰	۳۸,۳	۲۵,۹	۱۷,۳	۳,۳	۰,۰۸	-۰,۰۲	-۰,۶۳	زن	

منبع: مطالعات میدانی



نمودار (۶): تفاوت توانایی به خاطر آوردن نقشه‌ی شهر بعد از گذشت زمان در مردان و زنان

در بین مؤلفه‌های تصویر ذهنی بالاترین میانگین در بین مردان و زنان مربوط به مؤلفه‌ی «میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن» که میانگین برای مردان ۳,۷۱ و برای زنان ۳,۴۸ است.

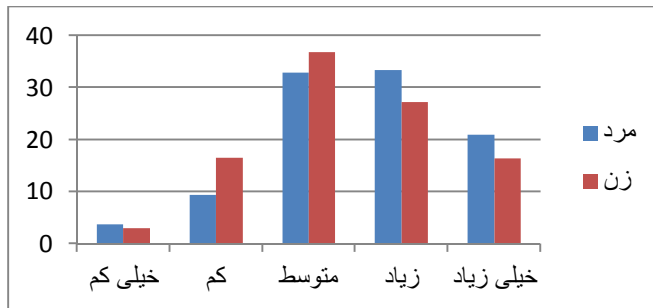
در حالت کلی تصویر ذهنی با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحلیل در جدول (۸) بیشترین درصد «تصویر ذهنی از شهر» در مردان با ۳۳,۳۶ درصد مربوط به گزینه‌ی زیاد و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۳,۷ درصد است. همچنین در زنان نیز بیشترین درصد با مقدار ۳۶,۷۸ درصد مربوط به گزینه‌های متوسط و کمترین آن مربوط به گزینه‌ی خیلی کم با مقدار ۲,۹۸ درصد است (نمودار ۷). در مقایسه کلی میانگین‌ها و انحراف استاندارد در دو گروه مردان و زنان هم مردان با میانگین ۱۷,۸۸ و با انحراف استاندارد ۰,۲۴ در مقایسه با میانگین ۱۶,۸۸ و انحراف استاندارد ۰,۳۱

زنان «تصویر ذهنی از شهر» بهتر و بیشتری را نسبت به زنان دارند. جدول تحلیل‌ها همچنین مقدار چولگی و کشیدگی برای دو گروه را نیز ارائه می‌دهد.

جدول (۸) تفاوت کلی تصویر ذهنی در مردان و زنان؛

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	جنس	
										مرد	زن
	۳,۷	۹,۴	۳۲,۹۴	۳۳,۳۶	۲۰,۹۸	۱۷,۸۸	۰,۲۴	-۰,۴۵	۰,۴۷	مرد	
	۲,۹۸	۱۶,۵۲	۳۶,۷۸	۲۷,۲۸	۱۶,۴۲	۱۶,۸۸	۰,۳۱	۰,۱۱	-۰,۴۴	زن	

منبع: مطالعات میدانی



نمودار (۷): تفاوت تصویر ذهنی از شهر در مردان و زنان؛

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحلیل‌ها چنین می‌توان گفت که مردان در مقایسه با زنان هم در تصور ذهنی کلی از شهر و هم در هر یک از مؤلفه‌های تصویر ذهنی وضعیت بهتری دارند. به عبارتی مردان دارای تصویر ذهنی قوی‌تری نسبت به زنان می‌باشند. از آنجایی که تحلیل انجام گرفته در نرم‌افزار Spss 23.0 صرفاً وجود تفاوت در نهایت شدت تصویر ذهنی و مؤلفه‌های آن را در مردان و زنان را بیان می‌کند، به منظور پی بردن به نتایج دقیق‌تر و اکتشاف جنبه‌های مختلف این تفاوت و ارزیابی سلسله مراتب تصویر ذهنی در مردان و زنان به بررسی بخش دوم تحلیل اقدام شده است که در این مرحله ۲۰۰ نقشه‌ی کروکی‌وار مورد تحلیل محتوا قرار گرفته است.

با توجه به نظریه‌ی توجیه نظری سیمای شهر تریب تصویر ذهنی افراد به صورت سه سطح سلسله مراتبی است. که از تصویر کلیت شهر (تصویر کلی) تا جز تصاویری از کلیت شهر (مکان‌های شهری) و سرانجام تصاویر ذهنی از اجزای فضا را دربر می‌گیرد. در تحقیق حاضر بخش مرکزی کلان‌شهر تبریز به عنوان، مقیاس میانی منظر شهری به عنوان عرصه‌ی مطالعه انتخاب شده، و منظور از کلیت شهر همان محدوده مورد مطالعه می‌باشد. در این مرحله ابتدا نقشه‌های کروکی‌وار مردان و

زنان که به هنگام برداشت میدانی مرد یا زن بودن از سوی پرسش‌شونده مشخص شده بود، مجزا و مطابق جدول (۹)، سلسله مراتب تصویر ذهنی استخراج شده است.

جدول (۹) سلسله مراتب تصویر ذهنی مردان و زنان

سلسله مراتب تصویر ذهنی	مردان	درصد	زنان	درصد
تصویر کلی	۴۸	۴۲,۱	۱۳	۱۵,۱
تصاویر جزئی	۵۲	۴۵,۶	۴۱	۴۷,۶
اجزای فضا	۱۴	۱۲,۲	۳۲	۳۷,۲
جمع	۱۱۴	۱۰۰	۸۶	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی

بر اساس نتایج به دست آمده از ۲۰۰ نقشه‌ی کروکی‌وار مطابق جدول (۹)، در سلسله مراتب (تصویر کلی، تصاویر جزئی و اجزای فضا) تصویر ذهنی مردان و زنان در هر دو گروه مردان و زنان بالاترین درصد مربوط به سلسله مراتب تصاویر جزئی با ۴۵,۶ درصد در مردان و ۴۷,۶ درصد در زنان است. آنچه که نتایج ارایه شده نشان می‌دهند بعد از تصاویر جزئی بیشترین سهم سلسله مراتب تصویر ذهنی در مردان مربوط به سلسله مراتب تصویر کلی با ۴۲,۱ درصد و در زنان مربوط به اجزای فضا با ۳۷,۲ درصد است. همچنین کمترین سهم سلسله مراتب تصویر ذهنی در مردان مربوط به سلسله مراتب اجزای فضا با ۱۲,۲ درصد و در زنان مربوط به تصاویر کلی با ۱۵,۱ درصد است.

بر این اساس تصاویر جزئی در بین سلسله مراتب تصویر ذهنی در هر دو گروه بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و به عبارتی در هر دو گروه نزدیک ۵۰ درصد افراد دارای تصویر ذهنی با سلسله مراتب تصاویر جزئی هستند بدین صورت که نه به آن صورت کلی است که بخش قابل توجهی را از محدوده مورد مطالعه را در برگیرد و نه به صورتی است که فقط به جزئی از فضا و مکان خاص در محدوده اشاره کند (شکل ۲).



مردان

زنان

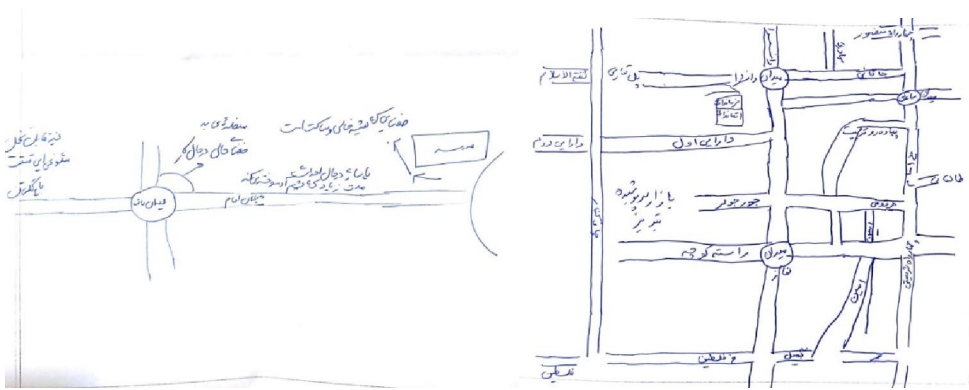
شکل (۲) درصد سلسله مراتب تصویر ذهنی

آنچه که به صورت کلی از تحلیل سلسله مراتب تصویر ذهنی در دو گروه مردان و زنان برداشت می‌شود، آن است که تصویر ذهنی مردان در مقایسه با زنان از کلیت بیشتری برخوردار است. بدین صورت که مردان بیشتر کل مجموعه‌ی فضاهای شهری را در ذهن خود تداعی می‌کنند. در مقابل زنان بیشتر با جزئیات تصویر ذهنی خود را شکل می‌دهند، بدین صورت که اگر حتی تصویری کلی نیز داشته باشند می‌توانند جزئی‌ترین اجزا را نیز با خاطر داشته باشند، ولی این مورد مربوط به همه‌ی بخش‌ها نیست بلکه مکان‌ها و فضاهای خاصی را در بر دارد. آنچه که در نقشه‌های توصیفی زنان مطرح کرده‌اند، زنان بیشتر آن مکان‌هایی را که به صورت روزمره با آنها سروکار دارند می‌توانند به جزئی‌ترین شکل ممکن به یاد داشته باشند، ولی در مورد مکان‌ها و فضاهایی که به صورت کم به آنها مراجعه کرده‌اند تصویر مبهم و در بسیاری از موارد فاقد تصویر ذهنی خاصی هستند.

مردان در مقایسه با زنان تصویر ذهنی‌شان به صورت کلی است و چنین می‌نماید که اگر به مکانی که بیشتر مراجعه کرده‌اند، شاید اجزای جزئی را به خاطر نیاورند در صورتی که با مراجعه کم به مکانی خاص و حتی با گذشت زمان می‌توانند، تصویری کلی را از آن مکان یا فضای شهری داشته باشند (شکل ۳). البته این امر به صورت قاعده‌ی کلی به‌دست نیامد، بدین صورت که همه‌ی مردان و زنان چنین تصویر ذهنی را ندارند و در بین مردان افرادی هستند که دارای تصویر ذهنی با اجزای فضا هستند و در بین زنان هم کسانی هستند که دارای تصویر ذهنی کلی هستند.

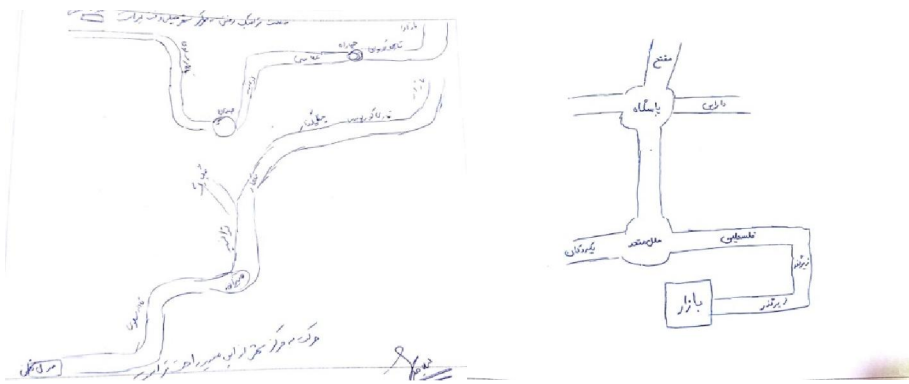
مردان در ارابه‌ی تصویر ذهنی خود عمدتاً در تمامی سطح سلسله مراتب تصویر ذهنی به نام مکان‌ها اشاره می‌کنند (تصویر الف شکل ۳)، در مقابل زنان در جزئی‌ترین نقشه‌ها هم کمتر به نام مکان‌ها اشاره می‌کنند و در تصویر ذهنی آنها تعاملات اجتماعی و فضایی بیشتر به چشم می‌خورد. به عنوان مثال در تصویر ب شکل ۲، خانم پرسش‌شونده تنها به نام میدان ساعت اشاره کرده است و در مقابل به وجود «فضای خالی که چشم را خسته می‌کند» یا «فضایی که همیشه ساکت است» و یا «غیر قابل تحمل بودن شلوغی» باغ گلستان اشاره کرده است.

نکته‌ی دیگری که از نتایج تحلیل به‌دست آمد، این است که مردان در ارابه‌ی تصویر ذهنی خود از کل به جز حرکت می‌کنند و شاید به این خاطر جزئیاتی را هم که در ذهن داشتند به مرور در نقشه ذهنی خود حذف می‌کنند. در مقابل زنان در ارابه‌ی تصویر ذهنی خود از جزئیات شروع و به کلیات می‌روند.



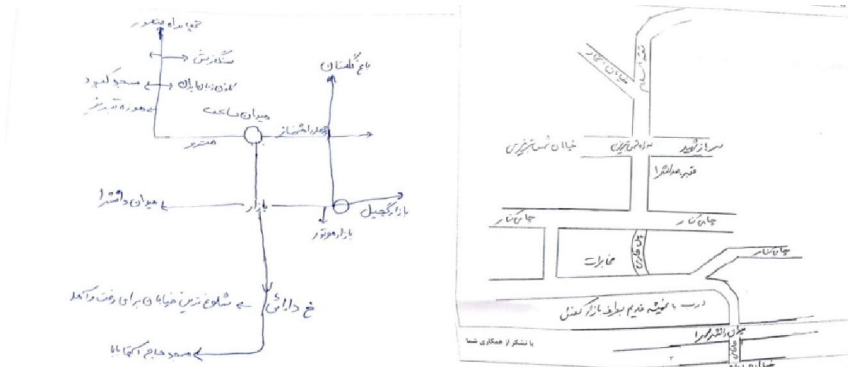
الف - تصویر کلی یک مرد
ب- تصویر اجزای فضای یک زن
شکل (۳). مقایسه‌ی سلسله مراتب تصویر ذهنی مردان و زنان

زنان در ارایه تصویر ذهنی خود عمدتاً نقطه‌ی شروع را با جزئیاتی از منزل و محل سکونت خود شروع می‌کنند، در صورتی که مردان در ارایه تصویر ذهنی خود در مقایسه با زنان عمدتاً از محل سکونت خود شروع به ارایه تصویر ذهنی نمی‌کنند و نقطه‌ی شروع آنها می‌تواند، محل سکونت، محل کار یا مکان و فضای خاصی در شهر باشد (شکل ۴).



الف - نقاط ثقل تصویر ذهنی یک مرد
ب- نقطه ثقل تصویر ذهنی یک زن
شکل (۴). مقایسه‌ی نقاط ثقل و نقطه آغاز تصویر ذهنی مردان و زنان

مطابق نقشه‌های کروکی‌وار شکل (۴)، تصاویر ذهنی زنان عمدتاً از محل سکونت شروع می‌شود و خانه به عنوان نقطه‌ی ثقل نقشه‌ها شناخته می‌شود، در مقابل تصاویر ذهنی مردان عمدتاً دارای نقاط ثقل مختلفی است که در ذهن آنها به صورت وزنه عمل می‌کند و سپس به هم ارتباط پیدا می‌کنند.



ب- تصویر ذهنی یک زن

الف- تصویر ذهنی یک مرد

شکل (۵). مقایسه‌ی تمرکز تصویر ذهنی مردان و زنان

آنچه که از نقشه‌های کروکی‌وار شکل (۵)، به دست می‌آید، اینکه مردان بیشتر تصاویر کلی و حتی تصاویر جزئی را می‌توانند به صورت شبکه‌ای و متصل به هم و بدون انتها، تداعی کنند و عمده تأکید آنها بر مقوله‌ی راه است، در صورتی که تصویر ذهنی زنان حتی در بالاترین سطح سلسله مراتب تصویر ذهنی از میزان شبکه‌ای کمتری برخوردار است و به صورت خطی و دارای انتهاست و بیشتر بر نشانه‌ها تأکید دارند. همچنین مردان در تصاویر ذهنی خود کمتر به ترافیک و شلوغی اشاره دارند در صورتی که مطابق تصویر (ب) شکل (۵)، زنان بیشتر به ترافیک و شلوغی جمعیت از نظر امنیتی در پی‌ریزی تصاویر ذهنی خود تمرکز دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل‌های آماری نشان داد که بین مردان و زنان از نظر تصویر ذهنی از فضاهای شهری تفاوت معناداری وجود دارد و مقدار میانگین رتبه‌ای نشان داد که تصویر ذهنی در مردان در مقایسه با زنان قوی‌تر است و این امر هم در مورد مطالعه‌ی کلی تصویر ذهنی و هم در مورد متغیرها و مؤلفه‌های تصویر ذهنی صادق است. با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل‌ها چنین می‌توان گفت که مردان در مقایسه با زنان هم در تصور ذهنی کلی از شهر و هم در هر یک از مؤلفه‌های تصویر ذهنی وضعیت بهتری دارند. به عبارتی مردان دارای تصویر ذهنی قوی‌تری نسبت به زنان می‌باشند.

در بین متغیرهای تصویر ذهنی که عبارتند از؛ ۱- میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن؛ ۲- توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و اجزای شهر در ذهن؛ ۳- توانایی توصیف اجزا و عناصر شهر به دیگران (آدرس‌دهی)؛ ۴- توانایی حرکت و مسیریابی بدون

دغدغهی گم شدن در شهر؛ ۵- توانایی به خاطر آوردن نقشه‌ی شهر بعد از گذشت زمان؛ بالاترین میانگین در بین مردان و زنان مربوط به مؤلفه‌ی اول یعنی «میزان در خاطر ماندن تصویر و نقشه‌ی شهر در ذهن» است.

با توجه به نظریه‌ی توجیه نظری سیمای شهر ترتیب تصویر ذهنی افراد به صورت سه سطح سلسله مراتبی است. که از تصویر کلیت شهر (تصویر کلی) تا جز تصاویری از کلیت شهر (مکان‌های شهری) و سرانجام تصاویر ذهنی از اجزای فضا را دربر می‌گیرد. در تحقیق حاضر بخش مرکزی کلان‌شهر تبریز به عنوان، مقیاس میانی منظر شهری به عنوان عرصه‌ی مطالعه انتخاب شده، و منظور از کلیت شهر همان محدوده مورد مطالعه می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده، تصاویر جزئی در بین سلسله مراتب تصویر ذهنی در هر دو گروه بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و به عبارتی در هر دو گروه نزدیک ۵۰ درصد افراد دارای تصویر ذهنی با سلسله مراتب تصاویر جزئی هستند بدین صورت که نه به آن صورت کلی است که بخش قابل توجهی را از محدوده مورد مطالعه را در برگیرد و نه به صورتی است که فقط به جزئی از فضا و مکان خاص در محدوده اشاره کند. بعد از تصاویر جزئی بیشترین سهم سلسله مراتب تصویر ذهنی در مردان مربوط به سلسله مراتب تصویر کلی و در زنان مربوط به اجزای فضا است. همچنین کمترین سهم سلسله مراتب تصویر ذهنی در مردان مربوط به سلسله مراتب اجزای فضا و در زنان مربوط به تصاویر کلی است.

آنچه که به صورت کلی از تحلیل سلسله مراتب تصویر ذهنی در دو گروه مردان و زنان برداشت می‌شود، این است که تصویر ذهنی مردان در مقایسه با زنان از کلیت بیشتری برخوردار است. بدین صورت که مردان بیشتر کل مجموعه‌ی فضاهای شهری را در ذهن خود تداعی می‌کنند. در مقابل زنان بیشتر با جزییات تصویر ذهنی خود را شکل می‌دهند، بدین صورت که اگر حتی تصویری کلی نیز داشته باشند می‌توانند جزئی‌ترین اجزا را نیز با خاطر داشته باشند

مردان در ارزیابی تصویر ذهنی خود عمدتاً در تمامی سطح سلسله مراتب تصویر ذهنی به نام مکان‌ها اشاره می‌کنند، در مقابل زنان در جزئی‌ترین نقشه‌ها هم کمتر به نام مکان‌ها اشاره می‌کنند و در تصویر ذهنی آنها تعاملات اجتماعی و فضایی بیشتر به چشم می‌خورد.

مردان در ارزیابی تصویر ذهنی خود از کل به جز حرکت می‌کنند و شاید به این خاطر جزییاتی را هم که در ذهن داشتند به مرور در نقشه ذهنی خود حذف می‌کنند. در مقابل زنان در ارزیابی تصویر ذهنی خود از جزییات شروع و به کلیات می‌روند. در این ارتباط زنان در ارزیابی تصویر ذهنی خود عمدتاً نقطه‌ی شروع را با جزییاتی از منزل و محل سکونت خود شروع می‌کنند، در صورتی که مردان در ارزیابی تصویر ذهنی خود در مقایسه با زنان عمدتاً از محل سکونت خود شروع به

ارایه تصویر ذهنی نمی‌کنند و نقطه‌ی شروع آنها می‌تواند، محل سکونت، محل کار یا مکان و فضای خاصی در شهر باشد و سپس به ارتباط آنها به هم می‌پردازند.

در نهایت اینکه مردان بیشتر تصاویر کلی و حتی تصاویر جزئی را می‌توانند به صورت شبکه‌ای و متصل به هم تداعی کنند و عمده تأکید آنها بر مقوله‌ی راه است، در صورتی که تصویر ذهنی زنان حتی در بالاترین سطح سلسله مراتب تصویر ذهنی از میزان شبکه‌ای کمتری برخوردار است و به صورت خطی و دارای انتهاست و بیشتر بر نشانه‌ها تأکید دارند. همچنین مردان در تصاویر ذهنی خود کمتر به ترافیک و شلوغی اشاره دارند، زنان بیشتر به ترافیک و شلوغی جمعیت از نظر امنیتی در پی‌ریزی تصاویر ذهنی خود تمرکز دارند.

منابع و مآخذ:

۱. بحرینی، ح. ۱۳۸۲. فرآیند طراحی شهری؛ چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۲. بنتلی، ا.، ال‌کک، آ.، مورین، پ.، مک گلین، س.، اسمیت، گ. ۱۳۹۵. محیط‌های پاسخ‌ده، کتاب راهنمای طراحان؛ ترجمه‌ی بهزاد فرم، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوازدهم.
 ۳. جهان‌شاه، پ. ۱۳۹۳. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳؛ انتشارات آرمان‌شهر، چاپ سوم، تهران.
 ۴. حبیب پور گنتابی، ک.، صفری شالی، ر. ۱۳۹۱. راهنمای جامع کاربرد SPSS در پژوهشات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)؛ چاپ پنجم، تهران، نشر لویه، متفکران.
 ۵. ستارزاده، د.، نقی‌زاده، م.، حبیب، ف. ۱۳۸۷. فضای شهری اندیشه‌ای اجتماعی؛ علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره‌ی دوازدهم، شماره چهارم: ۱۸۳-۱۷۳.
 ۶. شجاعی‌وند، ب.، تقی‌زاده، ا.، راه‌نور، ر. ۱۳۹۳. ارزیابی تصویر از مقصد گردشگران بر اساس کیفیت‌محصول مقاصد گردشگری، مطالعه موردی ائل گوئی تبریز، دومین کنگره‌ی بین‌المللی سازه، معماری و توسعه‌ی شهری، تبریز.
 ۷. شجاعی‌وند، ب.، روستایی، ش.، اصغری زمانی، ا. ۱۳۹۷. بازنمایی فضایی و تولید و بازتولید تصویر ذهنی: رهیافتی از تریالکتیک لوفور؛ نشریه‌ی مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره نهم، شماره ۳۳: ۱۹-۱.
 ۸. شکویی، ح. ۱۳۹۳. اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا، جلد دوم؛ انتشارات گیتاشناسی، چاپ دهم، تهران.
 ۹. شهرداری تبریز. ۱۳۹۲. تقسیم‌بندی مناطق دهگانه شهرداری تبریز؛
 ۱۰. کاشانی‌جو، خ. ۱۳۸۹. بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری؛ نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره شش: ۱۰۶-۹۶.
 ۱۱. کلانتری، ح.، اخوت، ه. ۱۳۹۵. برنامه‌ریزی منظر شهری؛ تهران، جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، چاپ دوم.
 ۱۲. مدنی‌پور، ع. ۱۳۹۲. طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی؛ مترجم فرهاد مرتضایی؛ شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
 ۱۳. مرکز آمار ایران. ۱۳۹۶. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵: جمعیت به تفکیک تقسیمات کشوری و نتایج تفصیلی.
14. Appleyard, D. 1976. Planning a pluralist city: Conflicting realities in Ciudad Guayana. MIT Press.

15. Archambault, D., & Purchase, H. C. 2013. The “map” in the mental map: Experimental results in dynamic graph drawing. *International Journal of Human-Computer Studies*, 71(11): 1044-1055.
16. Dias, P., & Ramadier, T. 2015. Social trajectory and socio-spatial representation of urban space: the relation between social and cognitive structures. *Journal of environmental psychology*, 41, 135-144.
17. Fenster, T. 2009. Cognitive temporal mapping: the three steps method in urban planning, *Planning Theory & Practice*, 10(4): 479–498.
18. Filomena, G., Verstegen, J. A., & Manley, E. 2019. A computational approach to ‘The Image of the City’. *Cities*, 89, 14-25.
19. Ginzarly, M., Roders, A. P., & Teller, J. 2019. Mapping historic urban landscape values through social media. *Journal of Cultural Heritage*, 36, 1-11.
20. Giraud, M. D., & Peruch, P. 1988. Spatio-temporal aspects of the mental representation of urban space. *Journal of Environmental Psychology*, 8(1), 9-17.
21. Kaplan, R., Schuck, N. W., & Doeller, C. F. 2017. The Role of Mental Maps in Decision-Making. *Trends in Neurosciences*, 40(5), 256-259.
22. LANG, J. 1987 “Creating Architectural Theory”, Van Nostrand Reinhold, New York.
23. Lindholm, G. 2011. 'Visible Gestures' : On Urban Landscape Perspectives In Planning. *Planning Theory*, 1-15.
24. Lynch, K. (1960). *The image of the city*; MIT Press.
25. Madanipour, A. 1996. “Design of Urban Space”, John Wiley and Sons Ltd, England.
26. Marry, S., & Defrance, J. 2013. Analysis of the perception and representation of sonic public spaces through on site survey, acoustic indicators and in-depth interviews. *Applied Acoustics*, 74(2), 282-292.
27. Menegaki, M.E., Kaliampakos, D.C., 2006. Landscape analysis as a tool for surface mining design. *Environ. Plan. B: Plan. Des.* 33 (2), 185–196
28. Misthos, L. M., Messaris, G., Damigos, D., & Menegaki, M. 2017. Exploring the perceived intrusion of mining into the landscape using the fuzzy cognitive mapping approach. *Ecological Engineering*, 101, 60-74.
29. Polic, M., et al. 2005. A cognitive map of Slovenia: Perceptions of the regions. *International Journal of Psychology*, 40(1): 27-35.

-
30. Sönmez, B. E., & Önder, D. E. 2019. The influence of GPS-based navigation systems on perception and image formation: A case study in urban environments. *Cities*, 86, 102-112.
 31. Tilt, J.H., Kearney, A.R., Bradley, G., 2007. Understanding rural character: cognitive and visual perceptions. *Landsc. Urban Plann.* 81 (1), 14–26.